

مادها

جورج راولیسن

ترجمه‌ی هاشم کرم

پانیذ - رونیکا

۱۳۹۵

سرساله	:	راولینسون، جورج، ۱۸۱۲ - ۱۹۰۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	:	George, Rawlinson
مشخصات نشر	:	مادهای جورج راولینسون؛ ترجمه‌ی هاشم کریمی. تهران: پاییز، نشر رونیکا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۲۴۰ ص.؛ مصور ۲۱/۵×۱۴/۵؛ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۷۱۰۵-۸۱-۱
وبسایت فهرست	:	فنیفا
یادداشت	:	کتاب حاضر ترجمه بخش مادهای کتاب "The seven great monarchies of the eastern Chaldaea, Assyria, world, or the history, geography and antiquities of Persian empire Babylon, Media, Persia, Parthia, and Sassanian or New میباشند."
موضوع	:	تاریخ - باستان
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- ماده ۷۰۵ - ۵۵۸ ق.م
شناسه افزودن	:	کریمی، هاشم، ۱۳۴۳ - مترجم
رده بندی کنگره	:	۲۵۰ - ۲۴۲ - ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	:	۹۵۵ - ۱۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۷۹ - ۴۰



نشر پانیذ

با همکاری نشر رونیکا



مادها

جورج راوولینسون

ترجمه‌ی هاشم کرمی

(کردستان، استان، دانشگاه، میان، کالج علوم پایه، گروه زبان کردی)

چاپ اول ۱۳۹۵

شماره ۱۰

لیتوگرافی با ستر چاپ دانا هو

تهران : خیابان ابوریحان رنسی وحدت نزاری پلاک ۲۶

تلفاکس: ۰۹۵۱-۶۶۴۱۵۹۸۲-۲۱

nashrepaniz@hotmail.com

قیمت : ۱۶۰۰۰ تومان

ISBN:978-964-7105-81-1

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۰۵-۸۱-۱

فهرست مطالب

سیاسگزاری.....	۹
مقدمه مترجم.....	۱۱
فصل ۱ قلمرو.....	۱۷
فصل ۲ آب و هوا و محصولات.....	۵۹
فصل ۳ مبسوطات آداب و رسوم.....	۸۷
فصل ۴ آب.....	۱۰۷
فصل ۵ زبان نواح.....	۱۴۷
فصل ۶ رویدادها و وقایع تاریخی.....	۱۶۷

مقدمه مترجم

امروزه در ایران خلأ واضحی در تاریخ ماد و ترجمه‌ی آثاری که به این تاریخ پرداخته‌اند دیده می‌شود. این خلأ تا جایی است که برخی از تاریخ‌نگاران از روی ناآگاهی، مادها را نه یک تمدن بلکه تنها مجموعه‌ای از قبایل توصیف می‌کنند. امروزه در کنار صدها کتابی که در مورد هر برهه و حتی هر سال یا رویدادی در تاریخ ایران به چاپ رسیده‌اند تنها یک اثر شناخته‌شده در مورد تاریخ ماد باقی‌مانده است. این کتاب بود که اثر دیاکونوف و ترجمه‌ی کریم کشاورز است که به سال ۱۳۴۵ بر می‌گردد. کتاب دیاکونوف نیز اگرچه کتاب تاریخی مفید و شاید کم‌نظیری قلمداد می‌شود اما با توجه به جبر بستر سیاسی که نویسنده در آن قرار داشته، نواقص سلیبی خاص خود را دارد و از گزند ایدئولوژی حاکم در امان نمانده است.

کتاب حاضر از معدود اثراتی است که مرئوسان به ذکر تاریخ ماد و روشن‌سازی برخی زوایای تاریک تاریخ این پادشاهی بزرگ شرقی می‌پردازد. جورج راولینسون (۱۸۱۲-۱۹۰۲ م.) مجموعه‌ی «هفت پادشاهی بزرگ دنیای شرق باستان» را در پنج جلد که به تاریخ پادشاهی کلدانی، آشوری، بابلی، میدیایی (پادشاهی ماد)، پارسی، پارتی و ساسانی می‌پردازد به نگارش درآورد و کتاب حاضر جلد سوم از مجموعه‌ی مزبور است. برخی دیگر از آثار وی عبارت‌اند از: ترجمه‌ی مشترک تاریخ هرودت (۶۰-۱۸۵۸)، پنج پادشاهی

بزرگ دنیای شرق باستان (۶۷-۱۸۶۲)، تمثال‌های تاریخی کتاب عهد عتیق (۱۸۷۱)، خاستگاه ملل (۱۸۷۷)، تاریخ مصر و بابل (۱۸۸۵) و تاریخ فینیقی (۱۸۸۹).

تاریخ، یکی از رشته‌های بنیادین علوم انسانی است که بسیاری از نظرات سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوقی و حتی فلسفی دست‌مایه‌های تحلیلی خود را از آن می‌گیرند. مطالعه‌ی تاریخ برای هر فرد ارمنی خاص خود را به همراه داشته است؛ برای فردی چون مارکس به ارائه‌ی نظریه‌ی دیالکتیک تاریخی و مبارزاتی طبقاتی انجامید که رویدادهای بسیار مهمی در تاریخ قرن بیستم و نظام‌های سیاسی و بین‌المللی و اقتصادی را موجب شد؛ برای هیتلر توجیهی برای کسار یهودیان و لزوم برپایی رایش سوم را به همراه آورد، برای هنری کیسینجر حاوی درس‌هایی پیرامون نظام بین‌المللی و چگونگی حفظ نظم و امنیت آن بود، برای سارتر و بر، امیل دورکیم، ریمون آرون، مارتین لوتر، لنین، هانتینگتون، فوکویاما، مایکل هافلر و حتی تئودور هرتزل، خواندن تاریخ ثمراتی متفاوت و گاهی بسیار مناقشه‌برانگیز را همراه داشته است. بخشی از تناقضاتی که در نتیجه‌ی خواندن تاریخ برای افراد مختلف روی می‌دهد ناشی از پیش‌زمینه‌ی فکری - فلسفی - اجتماعی - سیاسی مطالعه‌گر یا هدفی است که وی از مطالعه‌ی تاریخ پی می‌گیرد؛ اما بخش مهمی از آن ناشی از تحریفات و تفسیرات و حذفاتی است که در تاریخ‌نگاری یا چاپ کتب تاریخی صورت می‌پذیرد. ساده‌ترین دلیلی که می‌توان برای این

تحریفات و حذفیات نام برد، تلاش حکومت‌ها بویژه حکومت‌های ایدئولوژیک برای برجسته‌سازی بخش‌هایی از تاریخ است که مؤید نظام سیاسی حاکم هستند. در ایران نیز نادیده گرفتن تاریخ پادشاهی ماد را می‌توان به همان دوران تأسیس رشته‌ی دانشگاهی تاریخ بازگرداند. از همان اوان حکومت پهلوی، برای تقویت ناسیونالیسم ایرانی به‌عنوان پایه‌ی نظام سیاسی، مطالعه و ترویج تاریخ ایران باستان و بویژه تاریخ پس از پادشاهی مادها را در دست‌نخور قرار داد. مسئله‌ی مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این بی‌بهری قاصرانه بوده است یا عامدانه؟ نشانه‌هایی دال بر عامدانه بودن این قصه بود داد. عدم اهتمام برای تمرکز تحقیقاتی روی تاریخ ماد از یک طرف و کارهایی ارجحانه‌ی اجازه‌ی ساخت‌وساز در محل‌هایی که قبلاً از جانب تاریخ‌نگاران به سبب غلّ احتمالی وجود آثار باستانی دوره‌ی ماد اعلام شده‌اند می‌تواند نشانه‌ای از عامدانه بودن این قصور باشد.

راولینسون در کتاب خود نکاتی ظریف از تاریخ ماد را آشکار می‌کند که به‌یقین تاکنون در ایران مورد مطالعه یا توجه جدی قرار نگرفته‌اند. وی در مورد زبان و نگارش مادها، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که بنا بر سواد زبان‌شناسی و جغرافیایی کردها و لرها، امروزی را می‌توان نوادگان مادها دانست. راولینسون الفبای پارس‌ها را برگرفته از الفبای مادها می‌داند و بدین ترتیب ایده‌ی غیرمتمدن بودن مادها را بطور کلی رد می‌کند و حتی نقش مادها در شکل‌گیری تمدن پس از خود یعنی تمدن پارسی را نیز برجسته

می‌سازد. این نویسنده در جنگ پارس‌ها با مادها، نقش تفاوت مذاهب مجوسی و زردشتی و نقش احتمالی تعصب مذهبی پارسی‌های زردشتی در جنگ با مادها، متفرق بین دو آیین مجوسی و زردشتی را رد نمی‌کند. سستی و بی‌تدبیری پادشاه ماد، بی‌سازمانی این پادشاهی بزرگ و خوگرفتن مادها به زندگی مرفه و عیش و نوش را عوامل مهم و اصلی ساقط کننده‌ی «پادشاهی ماد» آستیایک و برپاکننده‌ی «پادشاهی ماد و پارس» کوروش می‌داند. مادها پس از حمله‌ی اول به نینوا و شکست از آشوری‌ها به ضعف سازماندهی و آموزش و دیسیپلین خود پی برده و کیاکسار با رفع این نقص مهم، ماده را به آیین غربی مسلط نمود؛ از دست رفتن همین سازماندهی و از دست دادن آیین بنگجویی نیز عامل نابودی پادشاهی ماد شد. اگر بحث روحیه‌ی ملی و خصایص ملی را نیز در این مبحث وارد کنیم، نوادگان امروزی مادها نیز مهم‌ترین مشکلی که دارند همین ضعف سازماندهی و دیسیپلین است و گویا باید در آرزوی کیاکساری دیگر باشند که آن‌ها را به شکوه و بزرگی برساند.

راولینسون در جایی دیگر بنا به شواهدی از کتب دمدیق و کتیبه‌ها، نظریه‌ی خود را جمع به اینکه مادها دو دوران شکوفایی بسیار دراز هم داشته‌اند را مطرح می‌کند. از آمدن نام مادها در کتاب مقدس تحت عنوان قوی‌ترین مشرکان سخن می‌راند و از دل داستان‌های تاریخی به قرینه‌ی

کتب معتبر به دنبال روشن سازی برخی رویدادهای مهم تاریخ ماد می گردد و به نظر می رسد تا حدودی در این کار موفقیت آمیز عمل می کند.

از دیگر نکات شایان توجهی که در این اثر آمده است دلیل نابودی بسیاری از بناهای تاریخ مادهاست. متأسفانه مادهها در ساخت بناهای خود از مقادیر زیادی بوب استفاده کرده اند که همین امر نابودی بناها را در گذر زمان تسهیل و آسان بر جای مانده از ایشان را به حداقل ممکن کاهش داده است. این همان عدم بدیت است که امروزه نیز در زندگی نوادگان مادهها دیده می شود. برخلاف ماده، پارسیها با به کارگیری مصالح مستحکم تر از خود ردپای تاریخی ماندگار و باشعوری بر جای گذاشتند و با همین توجه و جدیت طول عمر حکمرانیشان را بر ماده ای و مادای به درازا کشاندند.

هاشم کرمی

دانشگاه گرجان، کالج علوم پایه، گروه زبان کردی

۱۳۹۳/۱۲/۱۷ - کلار - کردستان Hashem.Karami@gmail.com